

بخش چهارم

ایران از ورود اسلام
تا صفویان

ایران در قرون نخستین اسلامی (۱)

مقدمه

با توسعه‌ی قلمرو مسلمانان، خلفا اداره‌ی بخش‌هایی از این قلمرو را به امیران و سرداران خود واگذار کردند. ولی به تدریج سردارانی جو‌یای نام و قدرت طلب پیدا شدند که با توسل به نیروی نظامی، حکومت‌هایی نیمه‌مستقل یا مستقل از دستگاه خلافت تأسیس کردند. در این درس و درس بعد با روند شکل‌گیری این حکومت‌ها در ایران و مهم‌ترین آن‌ها آشنا می‌شوید.

ایران در دو قرن اول هجری

پس از شکست حکومت ساسانی از سپاهیان عرب، ایرانیان بلافاصله مسلمان نشدند، بلکه براساس شناخت و درک عمیق محتوای اسلام، به مرور اسلام را پذیرفتند. شیوه‌ی عمل خلفای اموی به خصوص خصلت و روش نژاد پرستانه و قومیت‌گرایی آنان که با آموزه‌های ناب اسلام در تعارض بود، مردم مسلمان ایران را رنجیده خاطر ساخت. این امر طبعاً زمینه‌ی بروز واکنش‌هایی در ایرانیان شد و به شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی - اجتماعی متعددی در دوره‌ی اموی انجامید که در عصر عباسی نیز ادامه یافت.

پس از اسلام تلاش می‌کردند و مخالف ورود اندیشه و تفکر اسلامی بودند. در دوره‌ی اموی این جنبش‌ها به نوعی عرب‌ستیزی تند در واکنش به عرب‌گرایی امویان تبدیل شد. البته این حرکت‌ها در عصر عباسیان هم ادامه یافت. برخی از این جنبش‌ها رنگ دینی به خود گرفت و رهبران آن‌ها حتی مدعی پیامبری هم شدند، اما برخی دیگر بیش‌تر جنبه‌ی سیاسی داشت. تلاش‌های کسانی چون مازیار و مردآویج را باید از این دسته دانست. اما هیچ‌یک از این جنبش‌ها در پیشبرد اهداف خود توفیق چندانی کسب نکرد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا این دو دسته از جنبش‌ها پایگاهی در میان مردم ایران نداشتند و ایرانیان از آنان حمایت نمی‌کردند؟

جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایرانیان

جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایرانیان را در قرون نخست اسلامی می‌توان براساس برخی گرایش‌های متفاوت دسته‌بندی نمود:

۲- جنبش‌هایی که رهبران آن‌ها با هوشمندی و درایت توانستند میان اصول و مبانی اعتقاد اسلامی با

۱- جنبش‌هایی که با تحریک احساسات ملی برای تداوم یا احیای فرهنگ، مذهب و نظام اجتماعی ایران

روش خلافت اموی تفکیک و تمایز قائل شوند. اینان اسلام را پذیرفتند و به گونه‌های مختلف در صدد مخالفت و مبارزه با دستگاه حاکم اموی و عباسی برآمدند. گرایش وسیع ایرانیان به خاندان پیامبر(ص) و گسترش تشیع در ایران، ریشه در همین درک عمیق داشت که آنان میان وارثان واقعی پیامبر(ص) و خلفا و امیران قائل می‌شدند. همراهی ایرانیان با داعیان عباسی و نهضت سیاه‌جامگان خراسان در همین راستا قابل درک است. گرچه این جنبش به نتایج مورد نظر آنان دست نیافت و حتی ابومسلم ناجوانمردانه کشته شد، اما برخی خاندان‌های ایرانی مانند برامکه و آل‌سهل با هوشمندی توانستند در تشکیلات اداری و سیاسی خلافت عباسی مقام و مرتبه‌ی والایی کسب کنند و به شکلی دیگر مقدمات استقلال سیاسی ایران را فراهم آورند. از آن پس ایرانیان مسلمان دو جریان فکری و سیاسی را شکل دادند:

الف) جریانی که بیش‌تر در اندیشه‌ی تحقق کسب استقلال سیاسی ایران از طریق رجال سیاسی ایرانی و در راستای تلاش برای ایجاد حکومت‌های محلی نیمه مستقل و مستقل دنبال می‌شد. تأسیس حکومت‌های طاهریان، صفاریان و سامانیان نتیجه‌ی چنین کوشش‌هایی بود.

ب) جریانی که با ارادت عمیق به خاندان پیامبر(ص) و گرویدن به اندیشه‌ی تشیع، ضمن تلاش برای کسب استقلال سیاسی، در جهت ایجاد هویت مستقل فرهنگی ایران نیز گام بر می‌داشت.

طاهریان: طلیعه‌ی استقلال ایران

نخستین حکومت نیمه مستقل ایرانی را سرداری به نام طاهر ذوالیمینین تأسیس کرد. طاهر در ماجرای اختلاف امین و مأمون بغداد را فتح کرد و امین را به قتل رساند و خلافت را برای مأمون استوار ساخت، به همین دلیل، از سوی او به امارت خراسان برگزیده شد (۲۰۵ ه.ق).

الف) جریانی که بیش‌تر در اندیشه‌ی تحقق کسب

